

A Critical Analysis of Thematic content in Mahdi Akhavan-Sales's Poem, "Ghesey-e Shahr-e Sangestan"

Fazlollah Rezaei Erdani¹

Gholamreza Hatefi Ardakani²

Abstract

"Ghesey-e Shahr-e Sangestan" by Mahdi Akhavan-Sales is a part of the poetry collection "Az Avesta." This article seeks to elucidate the thematic content and form within the long narrative poem, "Ghesey-e Shahr-e Sangestan." Initially, the linguistic and literary analyses of the Formalists were more concerned with form and language; in a way, the fundamental principle of thematic content—that is, the main idea of the text—was neglected. Ultimately, however, the Formalists also came to consider thematic content as a factor in the cohesion and aesthetics of the literary text. Accordingly, by examining the main subject and form of a literary work, the outstanding features of that work can be revealed. This article seeks to elucidate the thematic significance of symbols in the poem, by employing a descriptive-analytical method and integrating different viewpoints of the Formalists. The findings of this research indicate that the success of Akhavan's poem, "Ghesey-e Shahr-e Sangestan," in the contemporary era is attributed to the astuteness and genius of his emotion, with two approaches: the selection of the best and most timeless "thematic content" and the choice of a brilliant literary "form and structure." Through the use of political and mythological symbols, a method has been chosen by Akhavan for expressing the "thematic content." In this symbolic and myth-like poem, while employing sublime and archaic linguistic elements, the dominant thematic content is despair and hopelessness regarding the improvement and resolution of the turbulent situation in Iran during the 1950s. The emotional reaction of Akhavan to the defeat of the freedom-seekers and the dominance of colonialists and plunderers of Iran's national wealth in past eras is well-depicted in this poem.

Keywords: Contemporary literature, Akhavan-Sales, Ghesey-e Shahr-e Sangestan, thematic content, form, formalism.

¹ Assistant professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University of Tehran, Tehran, Iran. rezaei.ardani@cfu.ac.ir

² Assistant professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University of Tehran, Tehran, Iran. rezahatafi2@gmail.com

بررسی و تحلیل انتقادی مایگان و فرم در بستر منظومه‌ی قصه‌ی شهر سنگستان مهدی اخوان ثالث

فضل‌الله رضایی اردانی^۱

غلامرضا هاتفی اردکانی^۲

چکیده

«قصه‌ی شهر سنگستان» مهدی اخوان ثالث، در مجموعه‌ی شعری «از این اوستا» آمده است. این مقاله با هدف تبیین مایگان و فرم، در بستر منظومه‌ی بلند قصه‌ی شهر سنگستان، نگارش شده است. در ابتدا تحلیل‌های زبانی و ادبی پیروان فرمالیسم، بیشتر به مسائل شعر و زبان مربوط می‌شد و به مسئله‌ی اصلی متن ادبی پرداخته نمی‌شد و به نوعی در مطالعه‌ی شعر، از اصل مایگان یعنی اندیشه‌ی حاکم بر متن، غفلت شده بود ولی سرانجام فرمالیست‌ها، مایگان را نیز عامل انسجام متن ادبی دانستند و آن را مسأله‌ای جمال‌شناختی، تلقی کردند. طرفداران فرمالیسم، نوشته‌ای که معنی‌دار باشد را بی‌گمان دارای مایگان واحد و وحدت‌بخش می‌دانند. بر این اساس، با بررسی موضوع اصلی و فرم اثر ادبی، می‌توان تشخیص آن اثر را آشکار کرد. این مقاله بر آن است تا با شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی و با تلفیق نظر فرمالیست‌ها، به این پرسش جواب دهد که نمادهای این منظومه، چه مفهوم مایگانی دارند؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عامل موفقیت شعر قصه‌ی شهر سنگستان اخوان در دوره‌ی معاصر، هوشمندی و نبوغ عاطفه‌ی او با دو رویکرد گزینش بهترین و جاودانه‌ترین «مایگان» و انتخاب «فرم و ساخت» درخشان ادبی است. اخوان با به کارگیری نمادهای سیاسی و اسطوره‌ای، شیوه‌ای برای بیان «مایگان» برگزیده است. در این منظومه‌ی نمادین و اسطوره‌گون، ضمن به کارگیری عناصر زبانی فخیم و آرکائیک، مایگان غالب، یأس و ناامیدی از بهبود و سامان شدن اوضاع آشفته‌ی ایران در دهه‌ی ۱۳۳۰ است. واکنش عاطفی اخوان در برابر شکست آزادی‌خواهان و سلطه‌ی استعمارگران و چپاولگران ثروت ملی ایران، در روزگاران گذشته در این منظومه، به‌خوبی ترسیم شده است.

کلید واژگان: ادبیات معاصر، شعر نو، مهدی اخوان ثالث، قصه‌ی شهر سنگستان، مایگان، فرم، فرمالیسم.

^۱ استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان. rezaei.ardani@cfu.ac.ir

^۲ استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان. rezahatafi2@gmail.com

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله و ضرورت پژوهش

طرفداران فرمالیسم روسی، در حوزه‌ی نقد ادبی، بر این باور بودند که تحلیل‌های فرمالیست‌ها بیشتر وابسته به مسائل شعر و زبان است و به مسئله‌ی اصلی، یعنی مایگان، پرداخته نشده است. حتی «ژیرمنوفسکی» از سردمداران این مکتب ادبی، عقیده داشت که در مطالعه‌ی شعر، نباید از جنبه‌های مایگانی غافل بود؛ یعنی نخستین مسئله، گزینش مایگان است و در مرحله‌ی بعد، فرم یا ساخت، همراه با توسعه‌ی آن و شیوه‌ی ترکیب اندیشه‌های دیگر است. در این زمینه، مایگان، همان موضوع یا اندیشه‌ی حاکم بر سراسر هر متن است. صورت‌گرایان روس معتقدند که مایگان چیزی است که اثر را انسجام می‌بخشد و گزینش آن، خود به خود، یک مسئله‌ی جمال‌شناختی است. علاقه‌ی انسان‌ها، در گرو دل‌بستگی و ذوق آنان به مسائل و حرف‌هایی است که برایشان، دارای اهمیت است. اثری که با دل‌بستگی‌های مستمر ما مرتبط نباشد نمی‌تواند ماندگار باشد. وقتی می‌توانیم با اندیشه‌های مندرج در یک اثر، همسویی داشته باشیم که هنرمند، آن را با عواطف مخاطب، هماهنگ ساخته باشد. (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۱: ۲۰۰)

«توماچفسکی» بر این باور بود که هر نوشته‌ای که معنادار باشد؛ بی‌تردید دارای مایگان است و برای آن که یک متن دارای انسجام باشد؛ باید از اندیشه‌ی واحد، برخوردار باشد و آنچه در این حوزه اهمیت دارد آن است که مایگان سبب می‌شود که مخاطب عملاً چشم‌اندازی صوری، نسبت به متن پیدا کند که در ادبیات، دست‌آورد بسیار بزرگی در نظر گرفته می‌شود. باتوجه به دیدگاه «توماچفسکی»، در مسئله‌ی انتخاب و گزینش، می‌توان به مسائل و موتیف‌های اثر ادبی با چشم‌اندازی ژرف‌تر نگریست. (همان: ۲۰۱) با بررسی موضوع اصلی و فرم اثر ادبی، می‌توان تشخیص آن اثر را آشکار کرد. در این مقاله، روشن می‌شود که موفقیت شعر «قصه‌ی شهر سنگستان» اخوان و حتی دیگر سروده‌های او در دوره‌ی معاصر، حاصل هوشمندی و نبوغ اوست در دو سوی خلاقیت ادبی، از یک طرف، گزینش جاودانه‌ترین «مایگان» و از سوی دیگر انتخاب «فرم و ساختار» درخشان و متعالی آن اثر.

۱-۱. جامعه‌ی آماری و روش پژوهش

همانطوری که نمی‌توان شعر را از شاعر جدا کرد؛ «صورت» یا «فرم» از «معنی» یا «مایگان» نیز تجزیه ناپذیر است. بنابر باورها و عقاید صورت‌گرایان روسی، سبک مجموعه‌ای از مسائل ترکیب، ساخت و صورت‌ها، همراه با مایگان است. بر این اساس، نگارندگان بر آن شدند تا نظر به اهمیت وجود «مایگان» یا همان اندیشه‌ی غالب بر گستره‌ی متن و شناخت «فرم»، با گزینش روش تحلیل و توصیف محتوا و با هدف نقد و بررسی مایگان، به ارتباط آن با موضوعات فرعی و همچنین مباحث جمال‌شناسی به بررسی این موضوع بالارزش در بستر یکی از ماندگارترین منظومه‌های زنده یاد مهدی اخوان ثالث با عنوان «قصه‌ی شهر سنگستان» بپردازند.

۲-۱. پیشینه‌ی پژوهش

تا به حال، پیرامون اخوان و ویژگی‌های سروده‌های او، پژوهش‌های متعددی در قالب کتاب، پایان‌نامه، رساله و مقاله انجام شده است اما به چند مقاله‌ی علمی-پژوهشی و مهم که در ارتباط با موضوع پژوهش اخیر صورت پذیرفته است؛ مختصراً اشاره می‌شود.

۱- مقاله‌ی «بررسی و تحلیل قصه شهر سنگستان اخوان ثالث بر پایه‌ی الگوی سفر قهرمان جوزف

کمبل» مندرج در نشریه‌ی پژوهش‌نامه‌ی داستانی دوره‌ی ۱۲ شماره‌ی ۳ سال ۱۴۰۲، به نویسندگی ناهید تیرانداز، ابوالقاسم اسماعیل پورمطلق و عبدالحسین فرزاد. نویسندگان در این پژوهش، قصه‌ی شهر سنگستان اخوان را بر پایه‌ی الگوی سفر قهرمان جوزف کمبل، بررسی و تحلیل کرده‌اند. آنان ابتداء به تبیین نظریه‌ی کمبل پرداخته، سپس، کردار «شاهزاده» به عنوان نمودی از اسطوره-قهرمان در این شعر را، با مراحل مهم الگوی مذکور تطبیق داده، و در پایان به توصیف و تحلیل داده‌ها پرداخته‌اند. نتیجه‌ی پژوهش آنان نشان می‌دهد که اگر چه قهرمان (شاهزاده)، در جست و جوی رستگاری و راه نجات برای جامعه‌ی سنگ شده و دردمند خویش یا (انسان معاصر) است؛ اما چون در سیر گذار از من (اگو)، برای تحقق «خود»، (هسته‌ی اصلی زندگی)، شکست می‌خورد و نمی‌تواند کلید طلسم را بازباید. از این روی، سفر وی دستاوردی جز شکست و پشیمانی، ندارد.

۲- مقاله‌ی «خوانش واپس نگر قصه‌ی شهر سنگستان اخوان ثالث»، چاپ شده در مجله‌ی شعر پژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، سال چهاردهم، شماره‌ی دوم، تابستان ۱۴۰۱، پیاپی ۵۲، صص ۲۵۷-۲۵۸. در این پژوهش، نویسنده، فرشته محبوب، به تبیین مبانی نظری نقد نشانه‌شناسی ری فاتر پرداخته و شعر مذکور را از منظر خوانش اکتشافی و سپس واپس نگر، بررسی کرده‌است. حاصل این قیاس مبین آن است که قصه‌ی شهر سنگستان، محصول بسط خاستگاه یأس و ناامیدی است. این خاستگاه از طریق فرایندهایی همچون انباشت، تعین چندعاملی، تبدل و منظومه‌های توصیفی گسترش یافته است. مؤلفه‌های مذکور، شعر را از سطح محاکات فراتر برده، و با نشانه‌شناسی نظام‌مند تحلیل پذیر کرده است. نویسنده در این پژوهش این موضوع مهم را طرح کرده است که اخوان در فرایند انباشت در زنجیره‌ی دوم یعنی یأس و اندوه که بنای اصلی مبحث است؛ به منظور حقیقت‌نمایی بیشتر، واژگانی عینی‌تر را برگزیده است.

۳- مقاله‌ی «بازیابی خاستگاه‌های تازه از قصه‌های عامه در شعر قصه شهر سنگستان از مهدی اخوان ثالث» به نویسندگی کاووس حسن‌لی و زینب زنهاری، چاپ شده در نشریه‌ی فرهنگ و ادبیات عامه، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸ - شماره ۲۵ صفحه ۵۳ تا ۸۰. نویسندگان در این مقاله با چشم‌اندازی ادبی به بررسی خاستگاه بن‌مایه «غیب‌گویی پرنده» در فرهنگ عامه پرداخته‌اند.

۴- مقاله‌ی «تحلیل امر نشانه‌ای و امر نمادین در قصه شهر سنگستان بر اساس نظریه کریستوا» به نویسندگی زهره نجفی، در فصل‌نامه‌ی پژوهش ادبیات معاصر جهان، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، شماره ۱۷۶ از صفحه‌ی ۶۱۵ تا ۶۳۹. این پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش است که در شعر قصه‌ی شهر سنگستان، امر نشانه‌ای بر زبان شاعر چه اثراتی دارد و چگونه می‌توان با توجه به امر نشانه‌ای این شعر را تأویل کرد. نویسنده بر این باور است که با بررسی امر نشانه‌ای و نمادین، آشکار می‌گردد که ناامیدی و یأس، مهم‌ترین ویژگی این شعر اخوان است.

۵- مقاله‌ی «شیوه روایت‌گری در شعر قصه شهر سنگستان مهدی اخوان ثالث بر اساس الگوی روایی سیمپسون» چاپ شده در فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی، دوره ۱، شماره ۳ سال ۱۳۹۵ به نویسندگی امید وحدانی‌فر و فاطمه فرخی. نویسندگان در این مقاله، شیوه‌ی روایت و وجهیت شعر قصه‌ی شهر سنگستان بر اساس دیدگاه وجهی-روایی سیمپسون را مورد بررسی قرار داده‌اند و بر اساس شواهد موجود در این شعر، مشخص کرده‌اند که به دلیل تغییر دیدگاه در بندهای مختلف شعر، گاهی از سوم شخص روایتگر، گاه از سوم شخص بازتابگر و بعضی مواقع، از اول شخص استفاده شده است که هر کدام به نوعی

در پیشبرد روایت مؤثر بوده‌اند و راوی در آن تلفیقی از این سه نوع روایت گر است. همچنین، به نظام‌های وجهی زبان این شعر بر اساس نظام وجهی سیمپسون از جمله: امری، معرفتی و ادراکی و ... پرداخته شده است.

۶- مقاله‌ی «تحلیل ریخت‌شناسی قصه‌ی شهر سنگستان» از عبدالله حسن‌زاده میرعلی و رضا قنبری عبدالملکی، چاپ شده در نشریه‌ی پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی شماره‌ی ۱ پی در پی ۱۳ پاییز ۱۳۹۲ صص ۶۷ تا ۹۱، نویسندگان، این منظومه را بر اساس قابلیت و الگوی ولادیمیر پراپ بررسی و نقد کرده‌اند و در بحث اصلی مقاله به تحلیل ۱۳ خویشکاری، شخصیت‌های سه گانه و حرکت در این منظومه پرداخته‌اند.

۷- مقاله‌ی «نقد کهن‌الگویی شعر قصه‌ی شهر سنگستان مهدی اخوان ثالث» به تألیف حمیدرضا فرضی استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز چاپ شده در نشریه‌ی ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی دوره‌ی ۸ شماره‌ی ۲۸ صفحات ۱۷۸-۲۰۹ سال ۱۳۹۱. در این مقاله، قصه‌ی شهر سنگستان، از دیدگاه نقد کهن‌الگویی، بررسی و براساس کهن‌الگوهای قهرمان، مرگ و تولد دوباره، پیر دانا، سایه، خویشان و نمادهای کهن‌الگویی درخت، کوه، دره، غار، چشمه، چاه و عدد هفت، تحلیل شده است.

۸- مقاله‌ی «قصه‌ی شهر سنگستان، اسطوره‌ی شکست» به نویسندگی آقایان حسین حسن پورآلاشتی و مراد اسماعیلی، چاپ شده در نشریه‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی سال ۱۸ شماره‌ی ۶۸ (۱۳۸۹-۴) صص ۴۱ تا ۶۷. نویسندگان در این مقاله‌ی علمی، چرایی و چگونگی خلق اسطوره‌ی شکست در شعر «قصه‌ی شهر سنگستان» و کیفیت باززایی برخی از عناصر کهن این شعر را مورد مذاقه و بررسی قرار داده‌اند.

مقالات و پژوهش‌های متعدّد دیگری نیز در پیرامون قصه‌ی شهرسنگستان تدوین و تهیه شده است که در این بخش به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شد. نویسندگان این مقاله، ضمن بااهمیت دانستن «مایگان» یا همان اندیشه‌ی غالب، براساس مکتب نقد ادبی فرمالیسم، به نقد و بررسی «مایگان اصلی» و تحلیل «فرم» این منظومه‌ی بلند، پرداخته‌اند.

۲. بحث و بررسی

ابتدا برای روشن شدن طرح دیدگاه مهدی اخوان ثالث، علاوه بر ذکر مختصری از زندگی و ویژگی‌های شعر اخوان به روایت ساده‌ای از آن منظومه پرداخته و سپس به بررسی سیر مایگان و چگونگی ارتباط منسجم آن با سایر عناصر زیبایی کلام پرداخته می‌شود.

۱-۲. قافله سالار شعر نو معاصر

مهدی اخوان ثالث، در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی در توس (مشهد) دیده به جهان گشود. او دوران تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در مشهد سپری کرد. سرمشق اولیه‌ی اخوان، دواوین شعرای کلاسیک بود. او در محضر پدر اهل شعر خویش، از آنها بهره می‌گرفت. تجربه‌های شعری اخوان ثالث با گذشت زمان عمیق‌تر می‌شد. او با سرودن شعرهای جدید و قرائت آن در بین صاحب نظران، زمینه‌های

رشد و تعالی خود را فراهم می‌کرد. در سال‌های ۱۳۲۳ ش. و ۱۳۲۴ ش. سر از انجمن ادبی خراسان، درمی‌آورد و با بزرگان شعر آن روزگار از نزدیک آشنا می‌شود. اخوان از این طریق توانست واقعیت شعر خویش را در آغاز جوانی به همه‌ی اهل شعر، بنمایاند. زندگی مهدی اخوان، بیشتر بر مبنای تفکرات سیاسی و اجتماعی او، می‌گذرد.

از لحاظ فکری، اخوان از بدو ورود به تهران تا سال ۱۳۳۲ ش. دوره‌ی پرتلاطمی را می‌گذراند؛ اگر چه شاید نتوان گفت اخوان کاملاً اهل سیاست بوده است ولی نگاه او به دنیا، نگاهی از سر سیاست و دوراندیشی بود. اخوان پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مانند بسیاری از اهل قلم دستگیر و روانه‌ی زندان می‌شود. در سال ۱۳۳۰ ش. اولین مجموعه شعرش را با نام «ارغنون» چاپ و منتشر می‌کند. در سال ۱۳۳۵ ش. مجموعه شعر «زمستان» را چاپ کرد و با چاپ این مجموعه، اخوان به عنوان شاعری نیمایی شناخته شد. در سال ۱۳۳۸ ش. مجموعه‌ی شعر «آخر شاهنامه» را منتشر کرد و سال ۱۳۴۴ ش. مجموعه‌ی «از این اوستا» را منتشر می‌کند. «از این اوستا» بی‌شک بهترین دفتر شعری اخوان است و ماندگارترین شعرهای او از جمله «قصه‌ی شهر سنگستان» در این دفتر گرد آمده‌اند. وی در سال ۱۳۴۴ ش. برای دومین بار، راهی زندان می‌شود و عاقبت پس از ۶ ماه، در زمستان سال ۱۳۴۴، از زندان آزاد می‌شود. مجموعه‌ی شعر «در حیاط کوچک پاییز در زندان» محصول آن زمان است. (محمّدی آملی، ۱۳۷۷: ۶۶) در سال ۱۳۵۶ ش. برای تدریس در دانشگاه دعوت می‌شود. او در دانشگاه تهران، شعر سامانیان و مشروطیت به بعد را، تدریس می‌کرد.

پس از انقلاب نیز به مدّت خیلی کمی، به تدریس در دانشگاه مشغول بود اما پس از سال ۱۳۵۸ ش. برای همیشه از کار تدریس کناره گیری کرد. در سال‌های بعد از ۱۳۵۷ ش. کتاب‌های «دوخ اما سرد»، «در حیاط کوچک پاییز در زندان»، «زندگی می‌گوید اما باز باید زیست...»، «ترا، ای کهن بوم و بر دوست دارم» تجدید چاپ و منتشر شد.

پس از پیروزی انقلاب، اخوان در سال ۱۳۵۸ ش. برای مدّتی، در سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی مشغول به کار شد. وی پس از کناره گیری از انتشارات انقلاب اسلامی، تقریباً، خانه‌نشین شد و روزگار او به سختی می‌گذشت. زندگانی اخوان در سال‌های پس از انقلاب، بیشتر در خلوت می‌گذشت و مهمترین رویداد فرهنگی، سفر او به خارج از ایران بود. «اخوان، ساعت ۱۰/۳۰ شب یکشنبه ۴ شهریور ۱۳۶۹ در بیمارستان مهر تهران، بودن و سرودن را بدرود گفت. (همان: ۸۶) به هر حال اخوان راوی اوضاع جامعه‌ای بود که در آن می‌زیست. (قاسم‌زاده و دیگران، ۱۳۷۰: ۵۶۳)

۲-۲. از این اوستا

«از این اوستا»، سومین مجموعه شعر نیمایی مهدی اخوان ثالث بعد از کودتای ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۳۲ ش. «آخر شاهنامه» ای است که قد کشیده است و برای اولین بار در سال ۱۳۴۴ ش. به چاپ می‌رسد. این مجموعه‌ی شعری بالارزش، حاوی ۲۶ منظومه است که از سوی انتشارات زمستان با ۲۳۹ صفحه در تابستان ۱۳۸۷ ش. برای شانزدهمین بار، به چاپ رسیده است. در مجموعه‌ی «از این اوستا»، مهدی اخوان ثالث از زمانه‌ی خویش فاصله می‌گیرد تا آن را آیین‌های بی‌فرجامی‌های نوع انسان بینگارد. «از این اوستا» تعبیر سرماست، نوحه‌ای در سوگ پیشانی سیاه انسان و افسوس بی‌مرگی دقیانوس است. پژواک صدای همه‌ی راهجویان در همه‌ی روزها؛ صدایی در غار بی‌رستگاری؛ غم دل با تو گویم، غار! / بگو آیا مرا

دیگر امید رستگاری نیست؟ / صدا نالنده پاسخ داد: / آری نیست؟ (اخوان ثالث، ۱۳۸۷: ۲۷)

«از این اوستا»، چهارمین دفتر شعری اخوان است که اوج هنر شعری اخوان در آن تجلی می‌یابد. این مجموعه، در بردارنده‌ی بهترین شعرهای اخوان از جمله «قصه‌ی شهرسنگستان»، «کتیبه»، «مرد و مرکب» و... است که در اواخر دهه‌ی سی و اوایل دهه‌ی ۴۰ سروده شده‌اند.

در مجموعه‌ی «از این اوستا»، به لحاظ زبانی نیز واژه‌ها به خوبی معنای ذهنی شاعر را به خواننده انتقال می‌دهند و هر واژه در جای درست خود قرار می‌گیرد. ساختار زبانی اخوان در این مجموعه، پیوندی قابل ملاحظه با زبان شاعران خراسان دارد و از تلفیق زبان امروزی با زبان دیروزی، سبک جدید خراسانی را به وجود می‌آورد. این زبان در قالب روایت، خود را به خوبی نشان می‌دهد.

شاعر، یأس فلسفی خویش را در جهان پرتناقض به زبانی نو می‌سراید. کلمات و ترکیباتی که در این مجموعه به کار رفته‌اند؛ علی‌رغم کهنه بودن، وقتی در ساختار زبان شعر اخوان قرار می‌گیرند؛ غرابت استعمال آنان از ذهن خواننده حذف می‌شود؛ زیرا شاعر تلفیقی درست از واژه‌ها در ساختاری تازه به دست می‌دهد. از این رو، وقتی که از طبیعت و تاریخ، زندگی را روایت می‌کند، خواننده، خود را، با شاعری رو به رو می‌بیند که علاوه بر داشتن پشتوانه‌ای غنی از سنت شعر فارسی، بهره‌های کافی از زبان امروزی نیز دارد. (هاق‌آردکانی، ۱۳۸۹: ۳۳) به طور کلی اغلب شعرهای این مجموعه‌ی فاخر، شعرهای اجتماعی با بیانی فلسفی است. او در این مجموعه بیشتر روایتگر یأس‌های حاکم بر اذهان عمومی است. از جمله، منظومه‌ی «قصه‌ی شهر سنگستان» در این مجموعه از شعرهای بارز اخوان است که بیانگر این بینش است. در این شعر، اخوان دریافت خود را از جهان، علی‌رغم این که او به بن بست می‌رسد؛ از زبان کبوتران، نقل می‌کند. او بر این باور است که یک سو بیابان و کوهساران خشک است، دیگر سوی، دریای هول هایل است. (محمدی آملی، ۱۳۷۷: ۱۴۴)

۲-۳. اخوان، جنبش ملی و شعر نو

یکی از رویدادهای سیاسی زندگی اخوان، حادثه‌ی مرداد ۱۳۳۲ ش. و ناکامی مردم ایران در آن رویداد است. او از جمله شاعران مردمی بود که همواره در کنار مردم می‌زیست و خود را با آنها، یگانه می‌دید. شکست و ناکامی مردم، طبع او را آزرده و غم خود را در شعر، نشان داد. اوج شعر مهدی اخوان ثالث، مقارن با اوج‌گیری نهضت ملی شدن صنعت نفت بود و شعر او تبلور فریاد کسانی بود که آرزوهایشان با چنین جهانی، همخوانی نشان نمی‌داد.

نکته‌ای که پیش از هر چیز در شعر اخوان قابل توجه است؛ زبان اوست. او به اصالت کلمات توجه خاصی دارد و مفهوم واقعی کلمات را حس می‌کند و هر یک را آن‌چنان بر جای خود می‌نشاند که، با هیچ کلمه‌ی دیگری نمی‌توان عوض کرد. اخوان، با تکیه به سنت‌های گذشته‌ی زبان و آمیختن کلمات فراموش شده، به زندگی امروز، زبان شعری تازه‌ای را می‌آفریند. زبان شعر اخوان ثالث، با فضای شعرش هماهنگی کامل دارد. کلمات زنده‌ی امروز وقتی در شعر او، در کنار کلمات سنگین گذشته می‌نشیند؛ ناگهان تغییر ماهیت می‌دهند و قد می‌کشند و با یک دستی شعر، اختلاف‌ها فراموش می‌شود. اخوان یکی از چهره‌های درخشان شعر معاصر است و آنچه تا به حال منتشر کرده است، شایسته‌ی احترام و تحسین است. (قاسم‌زاده و دیگران، ۱۳۷۰: ۸۱)

شگفت‌انگیزترین نکته‌ی اساسی در قلمرو گسترده‌ی زبان شعر اخوان، این است که می‌توانی با حماسه شروع و با سوگ تمام کنی و این نشانه‌ی پرامکان بودن زبان اوست. زبانش، چاهی است که به دریا وصل است. البته این مربوط است به خود زبان، که تاریخی و باریشه است، پشتوانه‌اش شعر همه‌ی تاریخ شعر خراسان است یعنی شعر فارسی. (همان: ۶۴) آنگاه زبان شعر اخوان به ویژه در منظومه‌ی بلند قصه‌ی شهر سنگستان، به تمام امکانات خلاقه‌ی گذشته‌ی ادب ایران است. او کوشیده است تا بتواند اعصاب و رگ‌های سالم و درست زبانی پاکیزه و متداول را - که همه‌ی تار و پودش زنده و استخوان بندی استوارش از روزگاران گذشته است - به خون و احساس و تپش زبان امروز پیوند بزند. به همین دلیل است که تمام چیزهایی را که از گذشته، قابل پذیرش، گسترش و بهره برداری است؛ همچنان در شعر اخوان زنده و جاندار است و این شاعر بلندپایه‌ی معاصر به‌خوبی توانسته است کلماتی که پر از معنی و دارای لطف خاص ذاتی است؛ هنرمندانه بکار ببرد. تکیه گاه او به ادب هزار ساله‌ی فارسی است و از تمام آنچه امکان داشته بهره برداری کرده است. (کاخ، ۱۳۸۲: ۷۰) «یکی از برجسته‌ترین خصوصیات شعر اخوان، رنگ ایرانی شعر اوست و این موضوع در شعر او تجلی یافته است.» (محمدی آملی، ۱۳۷۷: ۱۵۳) اخوان با تکیه بر سنت‌های گذشته‌ی زبان و آمیختن کلمات فراموش شده، به زندگی امروز، زبان شعری تازه‌ای می‌آفریند.

۲-۴. فرم و فرمالیسم

تاریخچه‌ی پیدایش مکتب ادبی فرمالیسم (شکل‌گرایی یا صورت‌گرایی) به سال ۱۹۱۴ میلادی برمی‌گردد. این مکتب ادبی در خلال جنگ جهانی اول در روسیه به وجود آمد و در خلال سال‌های ۱۹۲۰ میلادی شکفت. (شمسیا، ۱۳۹۳: ۱۷۳) به نظر فرمالیست‌ها، ادبیات یک مسأله‌ی زبانی است و زبان ادبی، زبانی است که باید از دید زبان‌شناسی به آن نگریست. آنان، اثر ادبی را شکل یا فرم محض می‌دانستند و در بررسی اثر ادبی، تکیه را بر فرم می‌دانستند، آنان بر این باور بودند که برای بیان محتوا و درون‌مایه (مایگان) از عناصر زبانی استفاده می‌شود و یک اثر ادبی فقط طرح و ساختار زبانی است. آنچه در اثر ادبی اهمیت دارد صورت و شکل هنری آن است. (همان: ۱۷۴)

مقصود فرمالیست‌ها از شکل یا فرم، قالب ظاهری اثر نبود بلکه منظور از آن هر عنصری بود که در ارتباط با دیگر عناصر، یک ساختار منسجم را به وجود بیاورد، به شرط این که هر عنصر، نقش و وظیفه‌ای را در کل نظام آن اثر داشته باشد. (شایگان‌فر، ۱۳۹۱: ۵۳) از اصول نظری فرمالیست‌هاست که فرم، قالب یا نقشه‌ای است که از قبل برای معنا، پیش‌بینی می‌شود و شاعر مثل بنا یا بافنده‌ی قالی، باید بر اساس فرم، کار خود را به پیش ببرد و اندیشه و معنای ذهنی خود را در آن قالب‌ها بریزد. (فتوحی، ۱۳۹۵: ۸۷) آنان هنر را عبارت از آفرینش فرم می‌دانند و فرم از دیدگاه بنیان‌گذاران این مکتب ادبی، روح زنده و پویای اثر هنری است که حاصل پیوند زنده‌ی میان عناصر اثر است. (همان: ۱۴۲)

پیروان و طرفداران این مکتب ادبی، بر قابلیت‌های زبان برای ساخت محتوا تأکید داشتند. فرمالیسم، اولین جریانی بود که زبان را پدیده‌ای خارق‌العاده می‌دانست که «شعر» را می‌سازد. آنان بر این اصل اصرار داشتند که این واژگان زبان است که با قرار گرفتن در محور کلام، سبب خلق اثر ادبی می‌شود و نقاد با بررسی در عناصر زبانی و ادبی، می‌تواند به فرم آن اثر پی ببرد و با شناخت فرم، به تأمل و درنگ و اندیشه بپردازد.

«هیچ منتقد ادبی نمی‌تواند فرم و صورت یک اثر هنری را در بررسی و پژوهش ادبی، نادیده فرض کند. مطالعه در باب فرم، تضادی با مطالعه‌ی تاریخی، اجتماعی ادبیات و هنرها ندارد؛ بلکه فرم و فرم‌شناسی مقدمه‌ی واجبی، برای مطالعات و پژوهش‌های ادبی است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۳۱) بنابراین، فرمالیست‌ها، سرانجام به این نتیجه رسیدند که بررسی مایگان و اندیشه‌ی شعر نیز در کنار بررسی فرم و صورت شعر و اثر ادبی امری ضروری و لازم است.

۲-۵. قصه‌ی شهر سنگستان در بستر مایگان و فرم‌شناسی

منظومه‌ی قصیده‌وار و نسبتاً بلند قصه‌ی شهر سنگستان، دارای فرم روایی است. روایتگری در اکثر سروده‌های اخوان جلوه‌ای خاص، دارد و می‌توان ادعا کرد که این شیوه از سرودن، از ویژگی‌های ادبی اخوان به شمار می‌آید. با توجه به بیان این روایت از زبان دو کبوتر، «قصه‌ی شهر سنگستان» اخوان، شکل و فرم فابل را به خود گرفته است. منظومه‌ی روایی «قصه‌ی شهر سنگستان» مهدی اخوان ثالث با روایت مصراع‌های زیر شروع می‌شود. «دو تا کفتر / نشست‌اند روی شاخه سدر کهنسالی / که روییده غریب از همگان در دامن کوه قوی پیکر / دو دلجو مهربان با هم / دو غمگین قصه‌گوی غصه‌های هر دوان با هم / خوشا دیگر خوشا عهد دو جان هم‌زبان با هم / دو تنها رهگذر کفتر / نوازش‌های این، آن را تسلی بخش / تسلی‌های آن، این را نوازشگر / خطاب آر هست: خواهر جان / جوابش: جان خواهر جان / بگو با مهربان خویش درد و داستان خویش» ... (اخوان ثالث، ۱۳۸۷: ۱۷)

این منظومه‌ی بلند در قالب قصه، پرورش یافته و روایتی نو و بدیع، با فرم اسطوره به تصویر درآمده است. به طوری که حوصله، تأمل و حتی ژرف نگری روایتگر آن، یعنی اخوان را به عینه می‌توان پی برد. علاوه بر آن، این منظومه‌ی اسطوره‌ای - روایی در مهم‌ترین دهه‌ی عمر اخوان به رشته‌ی نظم درآمده است. اخوان در سرودن قصه‌ی شهر سنگستان، از لحنی آرام و باطمینان، استفاده کرده و آن را در بحر عروضی هزج سروده است. شعر قصه‌ی شهر سنگستان با گفتگوی بلند کبوترها، آغاز می‌شود به طوری که نخستین عنصر فرم و ساختار این شعر، گفتگو میان دو کفتر است و آنگاه با تک گویی شهزاده با غار ادامه می‌یابد و با گفتگوی شهزیار با غار پایان می‌یابد. انتخاب چنین فرمی نه تنها موجبات ارتقای محتوا و غنای شعر را فراهم کرده است؛ بلکه به ساختار صوری شعر نیز انسجام بخشیده است. عنصر ساختاری دیگر این منظومه، قصه است و مایگانی بلند و متعالی در فرم قصه تبیین می‌یابد. غصه‌ی درد و ناامیدی در فرم قصه‌ای نسبتاً بلند و طولانی جلوه می‌یابد. علاوه بر آن در این سروده، اخوان با گزینش زاویه‌ی دید نمایشی به طرح گفتگوی یکپارچه‌ی شخصیت‌های آن پرداخته است.

اخوان با چنین فرمی می‌کوشد تا اطلاعات ضروری و لازم را در خصوص شخصیت‌ها به مخاطب القا کند. از خصوصیت دیگر فرم و ساختار صوری این شعر، تاریخ آن است به طوری که اندیشه‌ی غالب در این شعر با فرمی تاریخی جلوه گر می‌شود. شخصیتی تاریخی که خفته و با دستانش، چشمان خود را پوشانده است. او از حوادثی که در شهرش اتفاق افتاده به تنگ آمده است و نمی‌خواهد و نمی‌تواند به چهره‌ی کسی نگاه کند و یا محیط اطراف خود را نگاه کند: «- نگفتی، جان خواهر! اینکه خوابیده ست اینجا کیست / ستان خفته ست و با دستان فرو پوشانده چشمان را / تو پنداری نمی‌خواهد ببیند روی ما را نیز کو را / دوست می‌داریم / نگفتی کیست، باری سرگذشتش چیست / - پریشانی غریب و خسته، ره گم کرده را ماند / شبانی گله‌اش را گرگ‌ها خورده / و گرنه تاجری کالاش را دریا فرو برده / و شاید عاشقی سرگشته

کوه و بیابان‌ها /» ... (همان: ۱۷)

علاوه بر آنچه گفته شد، چیزی که باعث پیشبرد و تعالی «مایگان» و حتّی معرفّی شخصیت‌های این منظومه شده، گفتگویی است که در این اثر هنری دیده می‌شود. بُعد مکان جاری در این منظومه، یعنی دامن‌های کوه، نیز از عوامل دیگری است که شعر اخوان را فرم دار کرده است و همین امر آن را به سطح اسطوره، سوق می‌دهد. «دو تا کفتر/ نشسته‌اند روی شاخه سدر کهنسالی / که روییده غریب از همگان در دامن کوه قوی پیکر» ... (همان: ۱۶)

«مایگان» یا اندیشه‌ی حاکم بر اثر ادبی، یکی از اجزای اساسی و سازنده‌ی اثر هنری به شمار می‌آید که طبیعتاً جریان پیشبرد شعر را هدایت می‌کند و مخاطب گام به گام با آن همراه می‌شود. در این شعر قصه‌گونه، دو کبوتر با گفتگوی خود شروع کننده‌ی روایت قصه شهر سنگستان معرفّی می‌شوند و در ادامه به طرح مایگان می‌پردازند. شاهزاده‌ی قصه‌ی شهر سنگستان که ترک کننده‌ی دیار خود است؛ دل به کوه و صحرا می‌سپارد و با پریشانی و غریبی به طرح گفتگو با غار می‌پردازد. آنگاه به سرزمینی ناآشنا وارد می‌شود و کبوتران به آوارگی قهرمان قصه، شاهزاده، پی می‌برند و تلاش می‌کنند که تا او را از رفتن به مسیرهای خطرناک باز دارند. «نه‌ش از آسودگی آرامشی حاصل / نه‌ش از پیمودن دریا و کوه و دشت و دامن‌ها / اگر گم کرده راهی بی سرانجام است» ... (همان: ۱۸)

با توجّه به حمله‌ی دزدان دریایی به شهر و دیار شاهزاده، شاهزاده که به صورت خود خال و نشان قهرمانی دارد در مقابل حمله‌ی آنان به شهر خود واکنش نشان داده و هم ولایتی‌های خود را با نعره و فریاد به مبارزه دعوت می‌کند «و چون دیوانگان فریاد می‌زد: آی / و می‌افتاد و بر می‌خاست، گیران نعره می‌زد باز/ دلیران من! اما سنگ‌ها خاموش» (همان: ۲۲)

این شاهزاده‌ی دلیر و سردار شجاع با دزدان دریایی به مبارزه برمی‌خیزد و در نهایت او با شگردی ویژه و با هدایت کبوتران به کوهستان پناه می‌برد تا از شرّ آنان در امان باشد. «به رخسارش عرق هر قطره‌ای از مرده دریایی / نه خال است و نگار آن‌ها که بینی، هر یکی داغی ست / که گوید داستان از سوختن‌هایی / یکی آواره مرد است این پریشانگرد / همان شهزاده از شهر خود رانده» ... (همان: ۲۰) «همان شهزاده بیچاره است او که شبی دزدان دریایی / به شهرش حمله آوردند / - بلی، دزدان دریایی و قوم جاودان و خیل غوغایی/ به شهرش حمله آوردند» (همان: ۲۱)

شاهزاده‌ی قصه شهر سنگستان با یافتن چشمه‌ی آب، باید هفت ریگ از آن چشمه بردارد و اعمال عبادی هم انجام دهد. «چنین باید که شهزاده در آن چشمه بشوید تن / غبار قرن‌ها دلمردگی از خویش بزدايد» ... «پس از آن هفت ریگ از ریگ‌های چشمه بردارد / در آن نزدیک‌ها چاهی ست / کنارش آذری افزود و او را نمازی گرم بگزارد / پس آنکه هفت ریگش را / به نام و یاد هفت امشاسپندان در دهان چاه اندازد / ازو جوشید خواهد آب» ... (همان: ۲۴) اساسی‌ترین مایگانی که در این منظومه جلوه‌گری می‌کند؛ تغییر هویت انسان است که در این شعر به سنگ شدگی تعبیر می‌شود. مردم در این شعر به سنگ تبدیل شده‌اند و این پدیده، ریشه در اساطیر و ادبیات عامه دارد. مایگان قصه‌ی شهر سنگستان با اسطوره عجین می‌شود. عناصر زبانی آرکائیک چون «بهرام ورجاوند، گیو بن گودرز، توس بن نوذر، گرشاسب، درفش کاویان، زال زر، پر سیمرغ، امشاسپندان، دخمه، آذر مقدّس، پشوتن، سام گرد، مُغ، میترا، و ... بر استحکام و انسجام مایگان در این سروده افزوده است. اخوان با عشق و علاقه‌ای که به ایران کهن دارد؛ اوضاع نابسامان و آشفته سرزمینش را دیده، آرزومند است که با بهره‌گیری از عناصر اسطوره‌ای، سرزمینش را از فساد و

تباهی رهایی بخشد. زبان طبیعی شعر اخوان، دنباله‌ی منطقی زبان شعر کلاسیک است و به طور طبیعی از یک سو پایش در گذشته و از سوی دیگر در امروز است. شعر «قصّه‌ی شهر سنگستان» اخوان به طور صمیمی واقعیت امروز را تصویر می‌کند. یکی از دلایلی که در شعر اخوان عناصر زبانی آرکائیک یا اساطیری وجود دارد، شناختی است که او از انسان دارد و یا دیدگاهی است که وی نسبت به انسان و دنیا دارد و از این نظر یکی از هنرهای منحصر به فرد اخوان در سرودن شعر، به‌کارگیری واژگان و ترکیبات اساطیری است که در اشعار شاعران معاصر، از آن کمتر سراغ داریم. (هاتفی‌اردکانی، ۱۳۹۹: ۵۹)

- نه، خواهر جان! چه جای شوخی و شنگی ست؟ / غریبی، بی نصیبی، مانده در راهی / پناه آورده سوی سایه‌ی سدّری / ببینش، پای تا سر درد و دلتنگی ست / نشانی‌ها که در او هست / نشانی‌ها که می‌بینم در او بهرام را ماند / همان بهرام ورجاوند / که پیش از روز رستاخیز خواهد خاست / هزاران کار خواهد کرد نام آور / هزاران طرفه خواهد زاد ازو بشکوه / پس از او گیو بن گودرز / و با وی توس بن نوذر / و گرشاسپ دلیر آن شیر گندآور / و آن دیگر / و آن دیگر / ایران را فرو کوبند وین اهریمنی رایات را بر خاک اندازند. پشوتن مرده است آیا؟ / و برف جاودان بارنده سام گرد را سنگ سیاهی / کرده است آیا؟ (اخوان ثالث، ۱۳۸۷: ۲۶)

در این فرصت مناسب است که به کاربرد عناصر زبانی آرکائیک در مجموعه شعری «از این اوستا» به ویژه منظومه‌ی بلند «قصّه‌ی شهر سنگستان» اخوان، اشاره شود. بهرام ورجاوند / ۱۹ گیو بن گودرز / ۱۹ توس بن نوذر / ۱۹ گرشاسپ دلیر، آن شیر گندآور / ۱۹ بهرام / ۱۹ ایران / ۲۶ / ۱۹ / ۲۶ درفش کاویان را، فره در سایه‌ش / ۱۹ زال زر / ۲۲ پر سیمرغ / ۲۲ سرود آتش / ۲۳ فرسور و آذین / ۲۳ اهورا و ایزدان و امشاسپندان را / ۲۴ آذر / ۲۴ هفت امشاسپندان / ۲۴ چاه / ۲۶ دهان چاه / ۲۴ دیو / ۲۶ فروغ ایزدی / ۲۶ آذر مقدّس / ۲۶ هفت انوشه / ۲۶ گسسته است زنجیر هزار اهریمنی‌تر زآنکه دربند / ۲۶ پشوتن / ۲۶ دماوند / ۲۶ سام گرد / ۲۶ مغی دل مرده / ۲۶ میترا / ۲۶ رخس / ۳۰ رخس رویین / ۳۲ فروغ / ۳۳ / ۹۵ آتش / ۴۴ / ۷۱ آذرخش / ۴۸ قدس اهورایی / ۶۴ مشتری / ۶۴ زهره / ۶۴ فر / ۶۹ صبح بزرگ شسته و پاک اهورایی / ۸۰ مزدا اهورا / ۸۰ / ۸۱ اهورایی / ۸۵ مزدک / ۸۷ / ۸۷ بودا / ۸۷ زرتشت / ۸۷ اهرمن آنجا، اهورا نیز / بودا / ۸۷

علاقه و تمایل بیش از حدّ مهدی اخوان ثالث به میراث و ارزش‌های گذشته و پژوهش و جستار و دقّت نظر او در آثار کهن ادب فارسی و همچنین آگاهی ایشان از ظرفیّت‌های زبان کهن فارسی یا به تعبیری آشنایی با آثار سبک خراسانی، سبب نوعی پیدایش علاقه و تمایل، جهت کاربرد چنین ترکیب‌ها و الفاظی در «از این اوستا» و به ویژه در شعر «قصّه‌ی شهر سنگستان» شده است. یکی از مشخصه‌های هنر و مهارت اخوان، در این زمینه - که حاصل همین شیفتگی و علاقه است - ایجاد حلقه‌ی اتّصال بین ترکیب‌ها و کلمات و زبان کهن با زبان معاصر فارسی است. ایشان خود نیز به این موضوع صراحتاً اشاره می‌کند که: «شاید می‌گویم از خراسان دیروز که برخوردار از همه‌ی امکانات دیروزینش هست به ما زندگان امروز بروم.» (کاخی، ۱۳۸۲: ۴۹۵)

شهریار شهر سنگستان با فراخوانی نیروهای اهورایی، درخواست نجات و رهایی سرزمینش را دارد هر چند که با کاربست سفارش‌های کیوتران، شهزاده‌ی این قصّه به گشایشی دست نمی‌یابد زیرا که نیروهای اهریمنی با ورودشان به این سرزمین راه نجات را مسدود کرده‌اند و حتّی عناصر نجات‌بخش از قبیل

امشاسپندان، فروغ ایزدی، پشوتن، سام و ... از کمک کردن به شهریار شهر سنگستان و مردم عاجزند و با دگردیسی از رهایی بخشیدن و نجات، عاجز و ناتوانند.

۶-۲. بررسی فرم نمادین قصه‌ی شهر سنگستان

عجز و شکست در این سروده بر روح سراینده‌ی آن چیرگی دارد و از نظر اخوان اعتقاد به منجی و تغییر وضعیت نامطلوب، امری بیهوده می‌نماید. اخوان با طراح‌ی و معماری منسجم مایگان و فرم یا صورت این سروده، با به کارگیری عناصر زبانی آرکائیک و باستانی، قصد دارد به نوعی جریان‌ات سال‌های ۱۳۲۰ ش. را که مصادف با سقوط رضاخان است؛ به تصویر بکشد و این سقوط همراه با گشوده شدن روزنه‌های امید به روی روشنفکران است. در این دوران، شخصیت‌های مهمی چون مصدق و آیت‌الله کاشانی، طلایه‌داران تغییر و تحول بودند و مصدق توانست؛ مقام شاه ایران را با تشریفات کردن آن مقام، تنزل بخشد ولی با شکست این نهضت با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بار دیگر مبارزان و تلاشگران راه آزادی با سرخوردگی به درون خود خزیدند و همه‌ی آمال‌ها از هم پاشیده شد و مجدداً خاندان پهلوی به سلطنت و پادشاهی بازگردانده شد و با دستگیری و خانه‌نشین شدن عناصر این نهضت بزرگ، یأس، ناامیدی و نابسامانی سراغ روشنفکران و نویسندگان و شاعران گرفت. این شکست سیاسی، با تطبیق اسطوره در شعر قصه‌ی شهر سنگستان، در قالب یکی از مایگان اصلی، برجسته و منسجم، متجلی شده است و همین دردها و شکست‌ها، اندیشه‌ی غالب بر قصه‌ی شهر سنگستان می‌شود.

این منظومه‌ی بلند و اسطوره‌گون در سال ۱۳۳۹ ش. به رشته‌ی نظم درآمده است و اخوان در آن کوشیده است تا چگونگی ایران آن روزگار را ترسیم کند. هدف دکتر مصدق، سامان بخشی به کشور ایران بود اما با شکست او، هر چند که صنعت نفت هم ملی اعلام شد ولی با کودتای ۲۸ مرداد باز شرایط به اول برمی‌گردد و سردمداران آن نهضت، زندانی یا کشته می‌شوند و نفت در دست چپاولگران استعمار، قرار می‌گیرد و شرکت‌های اروپایی و آمریکایی با غارت و چپاول هدف خود را عملی می‌کنند. با این تحلیل مایگانی، شهریار شهر قصه‌ی شهر سنگستان، دگردیس یافته‌ی دکتر مصدق است و دزدان دریایی نیز دگرگون شده‌ی استعمارگران آمریکایی و انگلیسی و عاملان درجه یک کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. هستند و شهر سنگستان نیز جلوه‌ای از ایران آن روزگاران است که به صورت ایرانی و بران جلوه گر شده است و ثروت گران بهای نفت نیز جوی‌های پرآب اما گل آلوده قصه‌ی شهر سنگستان است.

۷-۲. پایان غم‌انگیز

«سخن می‌گفت، سر در غار کرده، شهریار شهر سنگستان / سخن می‌گفت با تاریکی خلوت / تو پنداری مُغی دل‌مرده در آتشگهی خاموش / ز بیداد انیران شکوه‌ها می‌کرد / ستم‌های فرنگ و ترک و تازی را / شکایت با شکسته بازوان میترا می‌کرد / غمان قرن‌ها را زار می‌نالید / حزین آوای او در غار می‌گشت و صدا می‌کرد غم دل با تو گویم، غار / بگو آیا مرا دیگر امید رستگاری نیست؟ / صدا نالنده پاسخ داد / آری نیست؟» (اخوان ثالث، ۱۳۸۷: ۲۷)

۳. نتیجه‌گیری

داستان فابل گونه‌ی شعر شهر سنگستان، تجلی و دگرگون شده‌ی ایران استعمارزده‌ی دوران پهلوی است

که از شمال و جنوب آن دروازه‌های غارت و چپاول گشوده شده است و با سکوت رعب‌آور، تحفه‌ی شکست و ناامیدی را خریدار شده‌اند و اخوان با طرح مایگان یأس و ناامیدی و شکست، همه چیز را در پرتو چهره‌ی آن دیده است. بدین گونه او با فرم یکپارچه و منظم، این شکست مأیوسانه را در قصه‌ی شهر سنگستان به نمایش می‌گذارد و گویی با تلفیق اسطوره و تاریخ بر خاک سرزمین خویش، اشک ناامیدی را جاری می‌سازد. اخوان با خلق این منظومه‌ی بلند، احساسات شاعری خود را در مقابل حوادث سیاسی - اجتماعی ایران آن روزگار، نمایان می‌کند.

۱-۷-۲. جدول فرم و فرم‌شناسی «قصه‌ی شهر سنگستان» مهدی اخوان ثالث در یک نگاه

ردیف	عناصر مایگانی	توضیحات عناصر مایگانی
۱	فرم اصلی یا قالب	فرم اصلی این سروده برپایه‌ی شعر نو، به صورت روایی - اسطوره‌ای شکل یافته‌است که در فرم قابل و قصه تجلی یافته است.
۲	لحن و فرم بیان	این منظومه‌ی ماندگار، لحنی آرام و سنگین دارد و با اندیشه‌های غالب آن، سازگار است.
۳	وزن عروضی	اخوان قصه‌ی شهر سنگستان را در بحر عروضی هزج، یعنی از تکرار ارکان عروضی مفاعیلن، سروده است.
۴	گفتگو	شعر قصه‌ی شهر سنگستان، با گفتگوی کبوترها شروع می‌شود و سپس با تک‌گویی شهزاده با غار ادامه می‌یابد و بدین صورت به فرجام می‌رسد.
۵	درون‌مایه	محتوای این منظومه‌ی بلند، غصه‌ی درد و ناامیدی در بستر تاریخ است که از سوی مهدی اخوان ثالث به روایت بیان شده است یا به تعبیری دیگر درون‌مایه‌ی این اثر زیبای ادبی، تغییر هویت انسان یا سنگ شدگی است.
۶	زاویه‌ی دید	اخوان ثالث برای بیان ناگواری‌های تاریخی عصر خویش، انتخاب قصه‌ای نمادین، با گزینش زاویه‌ی دید نمایشی، به طرح موضوع، پرداخته است.
۷	شخصیت	دو کبوتر و شهزاده‌ی دلیر و شجاع.
۸	مکان و زمان	مکان: دامنه‌ی کوه قوی‌پیکر، شاخه‌ی سدر کهنسال، غار، سرزمینی تا‌آشنا، کوهستان و چشمه. زمان: ۱۳۳۹ شمسی
۹	زبان و عناصر زبانی	زبان: اتصال زبان قدیم به زبان امروزی، آرکائیک و اساطیری. عناصر زبانی: بهرام، گیو، توس، گرشاسب، درفش کاوه، زال زر، پر سیمرغ، امشاسپندان، دخمه، آذر، پشوتن، سام، مغ، میترا، ...

منابع

- ۱_ اخوان ثالث، مهدی، *از این اوستا*، انتشارات زمستان، ۱۳۸۷.
- ۲_ شایگانفر، حمیدرضا، *نقد ادبی*، تهران، انتشارات حروفیه، ۱۳۹۱.
- ۳_ شفیعی کدکنی، محمدرضا، *رستاخیز کلمات*، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۱.
- ۴_ شمیسا، سیروس، *نقد ادبی*، تهران، نشر میترا، ۱۳۹۳.
- ۵_ طاووسی، سهراب، *آیین صورتگری*، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۹۱.
- ۶_ غیائی، محمدتقی، *سبک‌شناسی ساختاری*، تهران، شعله‌ی اندیشه، ۱۳۶۸.
- ۷_ فتوحی معجنی، محمود، *بلاغت تصویر*، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۵.
- ۸_ قاسم زاده، محمد، دریایی، سحر، *ناگه غروب کد/مین ستاره*، انتشارات بزرگ مهر، ۱۳۷۰.
- ۹_ کاخی، مرتضی، *صدای حیرت بیدار*، انتشارات مروارید، ۱۳۸۲.
- ۱۰_ محمدی آملی، محمد رضا، *آواز چگور*، تهران، نشر ثالث، ۱۳۷۷.
- ۱۱_ هاتفی‌اردکانی، غلامرضا، *سکه‌زن زبان فارسی*، یزد، انتشارات آرتاکاوا، ۱۳۹۹.
- ۱۲_ یاحقی، محمدجعفر، *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها*، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۹.